

## پایان تلخ یک جشن باشکوه

**نویسنده : ادريس هانی**  
**ترجمه و تلخیص : ملکی معاف**

انتخابات ایران را باید به دور از ظواهر کارناوالی و تشریفاتی انتخابات در آمریکا و اروپا تحلیل کرد. همچنین باید خود را کمی از قید و بند مفاهیم متداول در نمونه‌های دموکراسی غربی رها کنیم. ایران کشوری

بی مانند است زیرا اراده کرده که چنین باشد. حتی مخالفتش نیز با حمله‌های خود او را بیشتر از پیش به سمت "بی مانندی" سوق می‌دهند. درک "دموکراسی ایرانی" نیازمند آشنایی با مبانی سیاسی جمهوری اسلامی است. البته نه اینکه مبانی جمهوری اسلامی را با ذهنیت و مدهای رایج لیبرالیستی بررسی کنیم. زیرا گاهی شرایط و واقعیات موجود اقتضای می‌کند که در یک دموکراسی ترکیبی باشیم و گرنه به جنگ داخلی و فریادی نظام می‌انجامد.

سویاب اطمینان دموکراسیهای کارناوالی غربی، آزادیهای فردی و تراکم فرهنگی و رسانه‌ای است که خودخواهی افراد را مخاطب قرار داده، آنان را به مصر فگرایی غافل کننده سوق می‌دهد. نکته مهمتر رشد اقتصادی بالای این کشورهاست. البته کشورهای جنوب نیز تا حدی امکان مانور در عرصه دموکراسی دارند اما این مانور سقفی دارد که اگر از آن عبور کنیم باید خود را برای جنگ، دخالت اجنبی و کودتا آماده کنیم. رشد سیاسی باید هم‌دوش با رشد نظام و توانیهای آن و در چارچوب حاکمیت و استقلال تحقق پیدا کند. آنچه

بعد از انتخابات اخیر در ایران رخ داد یک جنبش در سطح جامعه ملنی بود جز اینکه شرایط اقتضای می‌کند که جامعه ملنی دارای هوشیاری کافی باشد تا در دام تحریکات خارجی نیفتد. آنچه در ایران رخ داد یک رقابت سیاسی یو یو در داخل نظام بود که دخالت بیگانه و اغتشاشگری آن را به تباهی کشید که این خود حاکی از عدم بلوغ است.

اکنون معلوم شده که واقعیت این بود که موسوی در روزی شدن باشکست، رفتاری نابرابرانه بروز داد و کروی نیز که نفر آخر شد، تمام دنیا با سر و صدای خود پر کرد. آقای کروی اخیراً از "احترام به حقوق آیت الله منتظری" نیز سخن گفته است. این در حالی است که هنگام عزل منتظری، همین کروی رئیس مجلس شورای اسلامی بود و من خود سخنی نامناسب از او به یاد دارم که طی آن، جایگاه علمی منتظری را تحقیر می‌کرد حال آنکه حتی امام خمینی (ره) هنگام عزل منتظری درباره مقام علمی اش تشکیک نکرد. این سیاسی بازی‌ها ناشی از آن است که تصور می‌کنند مردم فراموشکارند حال آنکه تاریخ باید آوری تاقض گویی های

سیاستمداران، آنها را رسوا می‌کند. عده‌ای جوان، تمایلات سرکوب شده خود را در قالب یک تظاهرات اعتراض آمیز سیاسی بروز دادند. این تظاهرات، یک ترکیب جمعیتی نامگونک داشت. تظاهرات کنندگان در دلستگي، هدف و معیله خود نسبت به دموکراسی یکسان نبودند. این اعتراضات نیز مانند برخی پارتی‌ها که در پایان آنها گاهی فردی از کوره در می‌رود و شیشه‌ها را می‌شکند، به اغتشاش کشیده شد. اما سرانجام آقای رفسنجانی نیز به این نتیجه رسید که دیگر سران اصلاح طلب نماند و علنا موضع خود را در حمایت از اصول نظام و امنیت کشور اعلام کند. گویا وی منتظر بود که موسوی و کروی به خود پایبند اما هر چه صبر کرد نتیجه نداد بنابراین خود به تهایی اعلام موضع کرد. وی نشان داد که بر خلاف آنچه بسیاری از رسانه‌ها می‌گویند، شکافی در بیکره نظام رخ ندهاده است. اینکه یکی از ارکان نظام به جریان اصلاح طلب پیوندد امری مشروع و عادی است و نباید تصور کنیم که آسمان به زمین آمده است.

اکنون موسوی درباره صلاحیت شورای نگهبان تشکیک می‌کند و باز شماری آرا با حضور هیئت پنج نفره رایزنی فایده می‌نماید. این در حالی است که صلاحیت خودش برای حضور در انتخابات توسط همین شورا تأیید شده بود.

حقیقت این است که در بخشهای مختلف نظام ایران هم اصلاح طلب و هم محافظه کار حضور دارد. اینکه موسوی مراجعه به شورای نگهبان را رد می‌کند یک رفتار غیر قانونی است و اکنون که بی اساس بودن ادعاهای موسوی درباره انتخابات معلوم شده، وی در وضعیتی بغرنج قرار گرفته است.

بی تردید اصلاح طلبان حضوری قوی در جامعه ایران دارند. آنان یکی از دو جریان اصلی در ایران هستند. گرچه آنها اکثریت را نداشته‌اند و صرفاً در توم بودند که اکثریت هستند، ولی به هر حال ملیون‌ها حامی دارند و همین کافی است که یک عامل مؤثر در عرصه سیاست ایران باشند.

ای کاش کمی هم روحیه دموکراتیک داشتند. اگر به جای لجاجتی و فریاد و شلوغ‌کاری خیابانی از طرق دموکراتیک بر دولت فشار می‌آوردند و نظرشان را در چارچوبهای دموکراتیک‌آز می‌کردند قطعاً سندهمقدر بود. طبق معیارهای دموکراسی اگر کسی در انتخابات برنده نشود باید به نقش اپوزیسیون قانع شود. طرح پرسش که "رای من کو؟" در تظاهرات خیابانی در واقع تحقیر و بی‌ارزش انگاشتن اکثریتی است که به احمدی نژاد رای دادند. پاسخ این پرسش به جای خیابانها باید در آمارها جستجو شود. از طرفی اصلاح طلب‌ها با این کارها آینده دموکراسی در ایران را با خطر مواجه می‌کنند زیرا بهانه به محافظه کاران می‌دهند که اگر در انتخابات بعدی اصلاح طلب‌ها پیروز شدند این بار

محافظه کارها به خیابان بریزند و خواستار ابطال انتخابات شوند!

ظواهر برخی از اصلاح طلب‌ها معتقدند دموکراسی تنها وقتی خوب است که به نفع آنها باشد ولی اگر طرف مقابل رای یابد حتماً تقلب شده است!

منبع : http://www.ahiwarakdini.com



تحولات پس از انتخابات از نگاه یک تحلیلگر عرب

# انقلاب مخملی ای که ناکام ماند

دکتر سعید الشهابی (نویسنده بحرینی مقیم لندن) ترجمه و تلخیص: ملکی معاف

آن خود خواهد کرد. شتابزدگی در پیش بینی نتایج، تصور تقلب را در میان برخی به وجود آورد. سزاوار نبود موسوی و همسرش پیش از انتخابات اعلام کنند که اگر ما برنده نشدیم پس حتماً تقلب شده است زیرا این استدلال به هیچ وجه منطقی نیست. از نظر معیارهای علمی معنا ندارد که بگوییم اگر فلان شخص برنده شد پس انتخابات سالم بوده و گرنه تقلب شده است.

۳) بماند که اگر از تقلب در انتخابات سخن گفته شده می‌شود اما هنوز هیچ یک از مدعیان نکرده‌اند که این تقلب ادعایی چگونه انجام شده است؟ آیا تعرفه را زیاد کرده‌اند یا جلیکین کرده‌اند یا...؟ کسانی که نتایج انتخابات را رد می‌کنند هیچ توضیحی درباره کیفیت و روش تقلب ادعا شده ارائه نکرده‌اند. آنها تنها شعار می‌دهند و به جای پیگیری قانونی و مراجعه به شوراای نگهبان، مردم را به تظاهرات تحریک می‌کنند و پس از سوی دیگر افکار عمومی از سوی عوامل نامرئی نیز تحریک می‌شود این در حالی بود که وزارت کشور پیشتر اعتراض را داده، خواستار ارائه مدارک و مستندات از سوی مدعیان تقلب شده است. شورای نگهبان نیز با باز شماری ده‌صدا از صندوقها موافقت کرد که نتایج باز شماری نیز صحت نتایج قبلی را تأیید کرد. طبعاً هیچ نظام یا دولتی در دنیا حاضر نمی‌شود به خاطر وجود شبهات با تصورات برخی افراد انتخابات را ابطال و مجدداً برگزار کند.

۴) اعتراضاتی که پس از اعلام نتایج انجام شد گاهی به تخریب اموال عمومی می‌انجامد حال آنکه چنین رفتاری در شیوه‌های متمدنانه‌امروزی پذیرفتنی نیست. این عقیده روز به روز تقویت می‌شود که دستهای بیگانه نیز در تشویق مردم به تظاهرات نقش داشته‌اند. خرد جهانی می‌خواستند تجربه سقوط دولت دکتر مصدق در سال ۱۹۳۵ را تکرار کنند. در زمان مصدق، سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا و انگلیس مردم را به تظاهرات ترغیب کردند. بهیچ است اعتراضات حق مردم است اما باید در چارچوب قانون و به صورت مسالمت آمیز انجام شود و نباید اصل نظام را تهدید کند. گفتنی است ایران به نسبت به دخالت خارجی بسیار حساس‌تر از این‌هاست و باید با رعایت مواضع و تعویض معمر رضان انجام‌پذیر این نگرانی را ایجاد کرد که



علیرغم آرامش نسبی عرصه سیاست در تهران هنوز هم بازتابی توفانی که جهان را به خود متوجه کرد احتمال گردیدهای دیگری را مطرح می‌کنند. می‌توان گفت موضوع دیگری می‌تواند در برابری ویلادهای تهران

بسیار متنوع و ناممگون بود و منطقی نیست که آثار سوء چنین ناآرامی‌هایی را دست‌کم بگیریم. همچنین نباید تصور کنیم که در آینده چنین حوادثی تکرار نمی‌شود مگر آنکه عوامل پیدایش این حوادث به درستی شناسایی و برطرف شود. نکته مهمتر این است که بدانیم عوامل چنین حوادثی منحصر به موضوع انتخابات و نتایج غیر منظره آن نیست. در هر حال رویرویی‌های سیاسی، فکری و رسانه‌ای که پس از اعلام نتایج انتخابات پیش آمد از برخی حقایق پرده برداشت. برخی از این حقایق مربوط به امور داخلی ایران بود اما برخی نیز ابعاد منطقه‌ای و بین المللی دارد:

۱) کسانی که معادلات عرصه سیاسی ایران و یوایی سیاسی و ایدئولوژیک آن‌را می‌شناسند می‌دانند که انتخابات ریاست جمهوری اخیر کمتر از انتخابات قبلی غیر منظره بود. در انتخابات قبلی آنها هیچ کم تصور نمی‌کرد احمدی نژاد به مرحله دوم راه پیدا کند و تصور می‌شد رقابت اصلی بین مصطفی معین و رفسنجانی خواهد بود و گمان می‌شد که احمدی نژاد شانس برای پیروزی ندارد. بنابراین پیروزی او برای خیلی‌ها غافلگیر کننده بود اما در انتخابات اخیر (دهم معلوم بود که رقابت اصلی بین احمدی نژاد و موسوی خواهد بود و هنگامی که پیروزی احمدی نژاد اعلام شد این خبر چندان غیر منظره نبود و تنها نکته غافلگیر کننده، نسبت آرای نامزد برنده بود بازنده بود.

۲) پیش از انتخابات برخی تلاش کردند نتایج را پیش بینی کنند حال آنکه اعلام نتایج روشنی که پیروزی قاطع یکی از دو کاندیدار از پیش اثبات کند وجود نداشت. البته از آغاز معلوم بود که محبوبیت موسوی منحصر به تهران است ولی در بیرون از پایتخت احمدی نژاد اکثریت را از

بررسی روند کاری بنیاد سوروس

## دگردیسی‌های پدر خوانده مخملی

حرف امروز:

جرج سوروس یکی از سرمایه داران بزرگ آمریکایی است که بعضاً در رسانه‌های آمریکا از وی به عنوان فرد نیکوکار و خیر آمریکایی یاد می‌شود و خود را پیرو فیلسوف مشهور کارل پوپر می‌داند. او در سال ۱۹۳۰ در بوداپست متولد شد. در سال ۱۹۴۷، پس از زوری کار آمدن کمونیست‌ها، زاده‌گاه خود را به مقصد انگلستان ترک کرد. او در سال ۱۹۵۲ از مدرسه اقتصادی لندن فارغ التحصیل شد. در این دانشگاه او با کارل پوپر آشنا شد و به شدت تحت تأثیر افکار او قرار گرفت. او در سال ۱۹۶۵ به آمریکا مهاجرت کرد و موسسه مالی بین المللی فاند منیجمنت (Fund Management) را بنیانها که موسسه‌ای خصوصی است و در زمینه سرمایه گذاری و مدیریت مالی مشاوره می‌دهد و از آغاز تاکنون، مشاور اصلی کوآنتوم فاند (Quantum Fund) بوده که در ۳۰ سال گذشته به طور متوسط سود سالانه اش ۳۱ درصد بوده است.

- از سوروس در تحلیل‌ها و مقالات رسانه‌های خارجی غالباً به عنوان "سرمایه دار بزرگ آمریکایی و یکی از معماران اصلی انقلاب مخملین" نام برده می‌شود. روند کاری بنیاد سوروس به این شکل بود که این بنیاد مرکزی مطالعاتی را در کشورهای مختلف فعال می‌کرد و سپس با ارزیابی مخالفان دولت مرکزی و حمایت از مطبوعات مخالف دولت زمینه را برای انقلابی آرام فراهم نمود. عمده ترین فعالیت این بنیاد در حوزه کشورهای آسیای میانه و قفقاز است. در واقع برای اولین بار در سال

اعتراضات نه به اصلاح نظام که به تضعیف آن می‌انجامد. در این باره سران فرانسه و انگلستان تلاش کردند قطعنامه ای از گروه هشت بگیرند که با مخالفت روسیه متوقف شد. حمایت مجلس سنای آمریکا از معترضان نیز اوضاع را پیچیده تر کرد. جان مک کین (سناتور جمهوریخواه) اعلام کرد که در ماه اگوست قانونی در این باره تصویب خواهد شد. اما باید بدست‌پشتیانی گنگره آمریکا را روی‌های ضد ایرانی، عملاً به منزله بوسه کشنده "برای اصلاح طلبان خواهد بود. میرحسین موسوی نیز می‌داند که این گونه حمایت‌های خارجی عملاً شانس او و حامیانش را در انتخابات‌های آینده کاهش خواهد داد.

۵) بماند انتخاباتی جناح بندی و دو قطبی شدید در سطح منطقه و بین الملل بروز کرد. از یک سو بسیاری ادعای تقلب را غیر قابل اعتماد خواندند و باید گاه‌گاهی احمدی نژاد در مقابل غرب‌بازمندی و نزدیکی کردند. اینها همان توده‌های مردم در جهان عرب بودند که از ایران به عنوان یک کشور اسلامی مستقل که در مقابل غرب ایستاده است پشتیبانی و تجلیل می‌کنند. اما از سوی دیگر برخی از رسانه‌های غربی همصدا با مسولان رژیم صهیونیستی بویژه نتانیاهو خواستار دخالت غرب در ایران شدند. چنین اختلاف نظری میان سیاستمداران و رسانه‌ها قبلاً نیز هنگام جنگ ۲۲ روزه غزه و نیز جنگ ۳۳ روزه لبنان بروز کرده بود. در این میان ایرانها بویژه از عربستان سعودی بسیار دلخور هستند زیرا عربستان علاوه بر اینکه محرک اصلی در صحنه در حال اجرام است. در قضیه عادی سازی روابط با اسرائیل و پیاده کردن طرح‌های آمریکا و غرب در منطقه نقش اساسی دارد. حمایت از جریان ۱۴ مارس در لبنان و وخامت اوضاع امنیتی در عراق و هدف قرار دادن نظام سیاسی ایران همگی با هم ارتباط دارند و نشان می‌دهند طرح گسترده ای برای مبارزه با اسلام گرایی و محدود کردن مقاومت در منطقه در حال اجرام است. این حالت جناح بندی و دو قطبی شدن در آینده نزدیک در روابط منطقه‌ای نیز اثر خواهد گذاشت و بعد نیست یک "جنگ سرد" میان کشورهای محور اعتدال [جناح طرفدار سازش با اسرائیل] و کشورهای محور "تشدت عمل" کشورهای حامی مقاومت [آغاز شود. گرچه ایران معمولاً در این گونه قضایا واکنش تند نشان نمی‌دهد اما در نهایت نمی‌تواند خود را به کلی از

صحنه این کشمکش غیر طبیعی کنار بکشند. ۶) اختلافاتی که بین دو جریان در ایران بروز کرد در واقع ریشه در روزهای نخستین انقلاب دارد. دیدگاه‌ها و مواضع رفسنجانی از آغاز با آیت الله خامنه‌ای تفاوت داشت. همچنین دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای با نخست وزیر خودش یعنی موسوی تفاوت داشت. اما این اختلافات کنترل‌شده بود و بروز نکرد زیرا ایرانی‌توللی بالایی در سازگاری با یکدیگر دارند و تا زمانی که اختلافات از حد معقول

نگذرد و حالت مبنایی پیدا نکند به همزیستی و سازگاری ادامه می‌دهند. اما اتهاماتی که احمدی نژاد قبل از انتخابات درباره رفسنجانی مطرح کرد اوضاع را وخیم کرد گرچه به نظر می‌رسد رهبران ایران توانستند در نهایت بحران را مهار کنند. نکته دیگر این است که ایرانها معمولاً به هر رئیس جمهوری دو بار رای می‌دهند تا هشت سال در منصب خود باقی باشد. با توجه به همین نکته اینکه احمدی نژاد مجدداً رای آورد امری غیر منظره و غیر عادی نبود. به عقیده برخی حتی تخریبی که علیه او انجام شد به محبوبیت او افزود.

نظام در حال اجرام است. این حالت جناح بندی و دو قطبی شدن در روابط منطقه‌ای نیز اثر خواهد گذاشت و بعد نیست یک "جنگ سرد" میان کشورهای محور اعتدال [جناح طرفدار سازش با اسرائیل] و کشورهای محور "تشدت عمل" کشورهای حامی مقاومت [آغاز شود. گرچه ایران معمولاً در این گونه قضایا واکنش تند نشان نمی‌دهد اما در نهایت نمی‌تواند خود را به کلی از



عباس اف "سرمدیشره به عدالت آذربایجان بعد از تحولات نوامبر ۲۰۰۳ گرجستان، بنیاد سوروس با بازیهای سیاسی در صدد نفوذ در حاکمیت کشور آذربایجان برآمد. بنابراین از دسامبر سال ۲۰۰۴ بنیاد سوروس اقدام به استخدام نیروهای جدید از میان غیر شیعیان و اصحاب مطبوعات در جمهوری آذربایجان نمود. این بنیاد در باکو با حمایت مالی نمایندگان موسسه جامعه باز، کتاب "حاکمیت و فساد مالی" که اثر یک نویسنده آمریکایی به نام "سوزان روزواکرمان" است را به زبان آذری منتشر نمود. در این کتاب اطلاعات زیادی در زمینه انتخابات، رشوه پول شویی در آذربایجان ارائه شده است. در ادامه با وقوع تحولات و پدیدار شدن انقلاب نارنجی در این کشور بنیاد مذکور و سفارت آمریکا در باکو تعدادی از مخالفان دولت را برای طی آموزش‌های لازم به اوکراین اعزام کردند. این مسئله در حالی بود که به گفته ولا دیمر تیموشکو یکی از نمایندگان مجلس اوکراین تظاهرات خیابانی در کیف "با حمایت آمریکا و شخص سوروس صورت می‌گیرد.

منبع : http://www.ahiwarakdini.com